

## نگرشی جدید به استراتژی عراق در جنگ خلیج فارس\*

نویسنده: جی.دال. مکی لپ

مترجم: علیرضا کاوه

### چکیده:

در این مقاله نویسنده با دیدگاهی جدید، استراتژی عراق را قبل و بعد از جنگ خلیج فارس مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. وی تلاش نموده که با توجه به جوانب مختلف جنگ، استراتژی عراق را تبیین نماید. بحث اساسی این مقاله آن است که عراق به هیچ وجه مایل به درگیر شدن در یک جنگ با قدرتهای بزرگ نبود و تمام برنامه‌ریزیهای خود را بر این راستا سامان داده بود و اقدامات عراق در چارچوب این استراتژی معنی پیدا می‌کند. مقاله همچنین به تلاشهای دیپلماتیک و اقدامات ویژه عراق در جنگ و پیامدهای بعدی آن نیز اشاره می‌کند. مقاله به علت دارا بودن دیدگاهی جدید می‌تواند مباحث جدیدی را ارائه نماید.

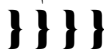


### مقدمه مترجم

جنگ خلیج فارس از جهات مختلفی می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ نظامی معاصر قلمداد شود و بررسی ابعاد گوناگون آن حاوی درسهای مختلفی برای صاحب‌نظران، علاقه‌مندان علوم دفاعی استراتژیک می‌باشد. جنگ می‌تواند به مثابه یک آزمایشگاه گسترده در خدمت گسترش علوم نظامی استراتژیک قرار گیرد. مجامع علمی، دانشگاهی، نظامی و مطبوعاتی

\* J.D. Mckillip, "Iraqi strategy during the Gulf war: an Alternative viewpoint, *Military Review*; September- october 1995, pp. 46-52.

غرب نیز در ایمن زمینه تلاشهای گسترده و مطالعات مختلفی انجام داده و مطالب مختلفی در این باره به چاپ رسانده‌اند. با توجه به انگیزه‌های مختلف و تبلیغات آمریکائیان ابعادی از این جنگ بزرگ نمایی و ابعادی دیگر از آن به بوته فراموشی سپرده شده است. در ادبیات استراتژیک کشور ما نیز حجم انبوهی از مطالب مربوط به این جنگ منتشر شده که عمدتاً حالت ترجمه داشته است. بخش زیادی از این ادبیات تابع همان شرایطی است که در مجامع غربی حاکم بود و در نتیجه به نظر می‌رسد کمتر برداشتی فراگیر و همه جانبه نسبت به این جنگ وجود دارد. غلو در ابعاد توان و قدرت ائتلاف، نادیده انگاشتن قصد و انگیزه‌های عراق و عدم آمادگی و انگیزه آن کشور برای جنگ و عدم تحلیل صحیح استراتژی عراق بخشی از این ادراکات غلط است که منجر به تحلیلهای نادرست می‌گردد. مقاله حاضر سعی دارد از منظر جدیدی به موضوع نگاه کرده و ابعاد فراموش شده آنرا در معرض بحث بگذارد. این مقاله ضمن بیان استراتژی عراق ابعاد مختلف آنرا آشکار می‌سازد و بر نقاط ضعف غرب در چنین نبردهایی تأکید می‌نماید. با توجه به بدیع بودن نوع نگاه، مطالعه چنین مقالاتی می‌تواند در درک جامع‌تر و مناسب‌تر این جنگ و پیامدهای آن مفید باشد و زمینه مناسبی برای بحثهای آتی فراهم نماید.



پس از پایان جنگ خلیج فارس، مطالعات گوناگونی درباره ابعاد جنگ انجام شده است. بیشتر این مطالعات، پس از شروع عملیات طوفان صحرا و به دنبال بمباران هوایی ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱ است که دو نوع مطالعه را در بر می‌گیرد. اولین نوع، مطالعات خوش خیالانه توصیف شده و معمولاً "توصیف غیرانتقادی از موفقیت‌های تاکتیکی و تکنیکی متحدین، بویژه آمریکا است. این مطالعات، بجز شواهد توصیفی که ممکن است برای دانشجویان مفید باشد مطلب دیگری را ارائه نمی‌کند.

دومین نوع مطالعه بطور کلی توسط گروه‌های ذی نفعی انجام شده است که مایلند بر سیاست، استراتژی، اعتبار دکترینی و تاکتیکی متحدین، بویژه پیشرفتهای تکنولوژیکی آن، تمرکز کنند. این مطالعات همراه با شکست نظامی عراق، تأثیر خطرناکی بر اندیشه نظامی غرب داشته است. پیروزی سریع، تحلیل عملیات نظامی را در هاله‌ای از ابهام فرو برد و موجب شد وضعیت سیاسی ویژه‌ای که در وهله اول به بحران منتهی شده، نادیده گرفته شود،

چنانکه وینستون چرچیل نخست وزیر بریتانیا گفت، "موفقیت، بسیاری از خطاها را تخفیف می دهد." در عین حال باید تحلیلی انتقادی و جامع، از حوادثی که در عملیات طوفان صحرا به اوج خود رسید و هنوز بطور کامل آشکار نشده است، ارائه شود. (۱) تاریخ به ما می آموزد که تحلیل محدود و یکطرفه از حوادث و نتایج بسیار گمراه کننده است. برتری قدرت رزم نیروهای متحدین بطور بسیار عجیبی علیه عراقی ها مشهود بود، که نتایج رزم را دچار تردید نمی کرد. خسارات بسیار کم متحدین واقعه غیر منتظره خوشایندی بود، ولی نتیجه آن، مسلم بود، با وجود این گرایش قوی این بود که فقط با توجه به نتایج یکطرفه جنگ، استراتژی کلی عراق، کوچک و ناچیز شمرده شود.

### تحول استراتژی عراق

اسناد و مدارک، گواه این است که عراق استراتژی ملی دقیق و آشکاری داشته که با یک استراتژی عملیاتی منطقی و ثابت پشتیبانی می شده است. عراق، پس از برآورد اولیه که آمریکا در درگیری منطقه ای عراق و کویت مداخله نمی کند - عملیاتی را اجرا کرد که با هدفهای سیاست خارجی و واقعیتهای نظامی رویارویی با اتحاد مقابل آن هماهنگ بود. برای فهم استراتژی عراق باید بپذیریم که عراق قصد نداشت برای حفظ کویت بجنگد. سالهای زیادی، عراقی ها به دنیا خاطر نشان می کردند که می خواهند علیه کویت اقدام کنند. بیان علل حمله عراق به کویت فراتر از هدف این مقاله است، اما باید بگوییم که موضع عراق را در ارتباط با ستیزه اش با کویت، نمی توان بی اساس جلوه داد. الحاق کویت، دستاوردهای زیادی برای عراق به ارمغان می آورد، و یک مبنای تاریخی مستدلی برای ادعای عراق نسبت به کویت به شمار می رفت.

**استراتژی ملی عراق بر این فرض مبتنی بود که جامعه بین المللی این اقدام را محکوم کرده، سپس الحاق را خواهد پذیرفت.** عراق برای بررسی اعتبار فرض اصلی خود (که اقدام نظامی بین المللی علیه آن صورت نمی گیرد) مقاصد خود را با یک روش

---

۱- کتاب "هنرمانور" نوشته رابرت لئونارد، اثر استثنایی و جالب توجهی است، اما این هم بطور محدود تنها جوانب نظامی عملیات را از دیدگاه آمریکا بررسی می کند.

1- Robert laonhard, the art of maneuver (novato, ca: presidio pless, 1992)

سیستماتیک به دنیا اعلام کرد. این هشدارها با تلاشهای دیپلماتیک ادامه یافت تا واکنش جامعه بین‌المللی ارزیابی شود. نمونه این تلاشها فراوان بود، مثلاً در سال ۱۹۸۹ در هر یک از جلسات سازمان اوپک، عراق به سازمان هشدار داد که دولتهای عضو، بویژه کویت، با تولید مازاد نفت و کاهش قیمتها به اقتصاد عراق ضربه زده‌اند. در جلسه ژانویه ۱۹۹۰، عراق هشدار داد که "غاصبان سهمیه نفت با کارد زهر آلود به عراق خنجر زده‌اند." عراقیها این جمله را هرگز فراموش نمی‌کنند که قطع گردنها بهتر است تا قطع منابع درآمد زندگی. آه، خدای قادر و توانا شاهد باش که ما به آنها هشدار دادیم.<sup>(۱)</sup> این کلام بارها تکرار شده است.

وقتی اوپک نتوانست اعضا را به رعایت سهمیه تولید نفت مجبور کند، طارق عزیز، وزیر خارجه عراق در ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰ در جلسه عمومی اتحادیه عرب اعلام کرد که "کشور ما به زانو در نخواهد آمد."<sup>(۲)</sup> روز بعد سفارت آمریکا در بغداد این اعلام را به وزارت خارجه گزارش داد، ولی به هیچ اقدام قریب الوقوعی اشاره نکرد.<sup>(۳)</sup> در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۰، طارق عزیز متنی را به زبان عربی و انگلیسی از رادیو عراق برای اتحادیه عرب خواند که در آن کویت را متهم می‌کرد که "بطور منظم، تعمداً و پی در پی با تجاوز به قلمرو عراق، به سرقت بردن و خراب کردن اقتصاد، به عراق صدمه می‌زند. چنین رفتارهایی به تجاوز "نظامی منجر شد."<sup>(۴)</sup>

با هشدارهای صریحی که نظیر آن به زبان صریح دیپلماتیک فرستاده شد، مدتی نگذشت که مطبوعات آمریکا مستقیماً سئوالی را طرح کردند که بطور غیر مستقیم، صدام حسین مورد پرسش قرار گرفته بود. در کنفرانس مطبوعاتی وزارت خارجه در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۰ یک خبرنگار از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، خانم مارگارت تات ویلر<sup>(۵)</sup> پرسید، آیا می‌دانید آمریکا چه تعهدی برای دفاع از کویت یا حمایت از آن در مقابل تجاوز دارد؟ پاسخ خانم تات ویلر، که از روی یک متن آماده بالحنی شمرده و بسیار سنجیده خوانده شد، چنین بود: "ما هیچ پیمان دفاعی با کویت نداریم و هیچ دفاع ویژه یا تعهد امنیتی نسبت به کویت

1- Elane sciolino, the outlaw state (new york john wiley and sons, inc.1991).

2- Ibid

3- Ibid

4- Ibid

5- Margaret Tutwiler

وجود ندارد.<sup>(۱)</sup> ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۰، صدام حسین، خانم "آپرل گلاسی"،<sup>(۲)</sup> سفیر آمریکا را به عراق احضار کرد، او به صدام گفت: اماهیچ نظری نسبت به مناقشات اعراب با یکدیگر، نظیر اختلافات مرزی شما با کویت نداریم". او اضافه کرد که جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، روابط بهتر و عمیقتر با عراق را<sup>(۳)</sup> می خواهد. بدین ترتیب ارزیابی صدام از واکنش بین المللی نسبت به اقدامات مورد نظرش، تایید شد، لذا به نیروهای نظامی عراق، اجازه حمله و اشغال کویت را داد.

مقایسه تصمیم استراتژیک صدام برای تجاوز به ایران در سال ۱۹۸۰ با تصمیم او برای تجاوز به کویت جالب توجه است. وی از بررسی و برآورد خود در ارتباط با ایران نتیجه گرفت که جامعه جهانی مداخله نخواهد کرد و این برآورد درست از آب درآمد. مشکلات او در ایران این بود که قدرت پنهان ایران را دست کم گرفته بود و جنگ هشت ساله برایش بسیار گران تمام شد. به هر جهت هدف نهایی عراق، برای برتری بر جهان عرب، موفقیت آمیز بود. اگر چه کاملاً آسیب دید و در قرض و بدهی زیادی فرو رفت با وجود این در مقابل تهدید بنیادگرایی ایران، رهبری اعراب را به عهده گرفت. علاوه بر این، عراق در حالی جنگ را به پایان رساند که قویترین ارتش منطقه‌ای جهان بود و با این وضع قدرت بود که عراق به الحاق کویت اندیشید و سرانجام برای الحاق آن کوشید.

#### تهاجم

تهاجم عراق به کویت، همانند عملیات یک کودتا، مؤثر و کاملاً موفقیت آمیز بود، همچنان که نیروهای متحدین نیز بر دشمن ضعیفی چون نیروهای عراق درگیر در عملیات علیه کویت بر احتی غلبه کردند، هنگامی که کویت اشغال شد، نیروهای پدافندی (عراق) در طول مرز عربستان - عراق - کویت مستقر بودند تا تضمین کنند که مداخله در الحاق کویت ممکن نخواهد بود. پیامد استقرار نیروهای متحدین در عربستان برای عراق عجیب بود.

1- CNN, "operation Desert storm- the victory." 1991. 2- April Glaspie

3- Bruce watson, bruu george, peter tsouras and B.L cyr, military lessons of the gulfwar (london: Greenhill. Books, 1991).

حجم نیروی اعزام شده با حجم نیرویی که عراق انتظار داشت در واکنش علیه تهاجم با آن روبرو شود، کاملاً متفاوت بود. به هر حال وقتی نیروهای عراقی درگیر شدند، عراق نمی‌توانست دستاوردهای اولیه خود را در عربستان سعودی گسترش دهد.<sup>(۱)</sup> واضح است که عراق قصد حمله به عربستان را نداشت و حتی بعد از ۶ اوت ۱۹۹۰ برای متقاعد کردن آمریکا در درک منظورش بسیار کوشید. چهار روز پس از حمله، صدام حسین با "جوزف سی. ویلسون"<sup>(۲)</sup> کاردار آمریکا ملاقات کرد تا او را مطمئن کند که اقدامات عراق، تهدیدی برای عربستان سعودی و منافع حیاتی آمریکا نیست و عراق علاقه دارد روابط بغداد با واشینگتن بدون تغییر باقی بماند. عراق می‌دانست که انتظار پیروزی در جنگ علیه متحدین واقع بینانه نیست. حالا استراتژی او این بود که به دشمن غیر منتظره جامعه بین‌المللی پاسخ دهد. صدام مجبور بود با پیامدهای سیاسی اقداماتش روبرو شود.

#### دیپلماسی عراق

اکنون استراتژی عراق، ضمن تلاش برای حداکثر کردن مطلوبیت نیروهای عراقی درگیر در جنگ، یافتن راه‌حلی دیپلماتیک برای رویارویی بود. با نظر به لزوم حفظ حکومت، این امر باید با حداقل ریسک در سطح کل نیرو انجام می‌شد. موضوع عدم بازگشت دیر شده بود، عراق برای رویارویی با محکومیت بین‌المللی می‌بایست راه‌حل سیاسی ارائه دهد. از زمانی که صدام حسین بر مسند قدرت تکیه زده هدف اولیه او این بود که عراق را رهبر جهان عرب کند.

همانطور که قبلاً گفته شد، حتی جنگ پر خرج عراق با ایران، این هدف او را پیش برده

1- GEN H. norman schwarzkopt. it Doesn't take a Hero (new York: Bantam books,inc,1991).

نویسنده واکنش وحشت‌زده او و دیگر نویسندگان نظامی و غیرنظامی را که نسبت به تجاوز به کویت داشتند، شرح می‌دهد. با اینکه هر نوع ارزیابی مستدل و قابل مشاهده‌ای از تصور عراق نشان می‌دهد که عراق قصد حمله به عربستان سعودی را نداشت، شوارتسکف اظهار می‌دارد غلبه بر کویت کمتر از سه روز طول کشیده، به نظر می‌رسد عراقی‌ها قصد توقف در آنجا را نداشتند.

2- Joseph c.wilson

بود. واقعاً برای عراق ممکن نبود که از کویت عقب‌نشینی کند و اعتبار خود را، که یک عمر برای به دست آوردن آن کوشیده بود از دست بدهد. صدام، در زبان عربی، به معنی کسی است که مقابله می‌کند و قصد نداشت که مورد سرزنش بین‌المللی قرار بگیرد. برای صدام، شکست نظامی بمراتب از تسلیم بدون جنگ بهتر بود. نتیجه جنگ هر چه باشد، مهم نیست، تا وقتی کشورش دست نخورده و او در رأس قدرت است، می‌تواند ادعا کند که در یک جنگ قهرمانانه با کفار شرکت کرده است و تنها اتحاد جهانی توانست او را شکست دهد. این ضروریات، استراتژی عراق را معین می‌کرد و اقدامات عراق با توجه به این مفهوم راحت‌تر درک می‌شود.

استراتژی عراق پس از حمله به کویت، زمانی آشکار شد که ارتش آن کشور در مرز عربستان - کویت - عراق متوقف شد. اگر عراق می‌خواست حمله خود را به عربستان سعودی و امارات متحده عربی گسترش دهد، لازم بود نیروهای خود را متوقف نکرده، بدون وقفه به حملات خود ادامه دهد. در عوض، ارتش عراق به مرزهای قدیمی عقب‌نشینی کرد و واحدهای کم تحرک و درجه دوم ارتش را جایگزین گارد ریاست جمهوری در خط مقدم کرد. بسیاری از رهبران آمریکا تحرکات عراق را واکنشی نسبت به تهدیداتشان تفسیر کردند. در هر حال، این احتمال بیشتر است که ارتش عراق واقعاً از استراتژی کلی‌اش پیروی می‌کرده است.<sup>(۱)</sup> هنوز مقامات آمریکایی ارزیابی صحیحی از وضعیت عراق ندارند و اهداف و استراتژی عراق را اشتباه تعبیر می‌کنند.

واحدهای موجود ارتش عراق برای حفظ خود و حفظ اساس قدرت صدام حسین عقب‌نشینی کردند. همزمان ارتشی متوسط و بسیار زیاد به خاک کویت اعزام شد تا تصویر توانایی

---

1-Ibid

شوارتسکف بطور عجیبی مبهوت به نظر می‌رسید که در ۲۱ اوت ۱۹۹۰ واحدهای گارد ریاست جمهوری عراق از مناطق جلو به عمق استراتژیکشان در مرز قدیمی عراق - کویت عقب‌نشینی کردند. با وجود این واقعیت که واحدهای دیگری از ارتش عراق جایگزین واحدهای گارد شدند، ارزیابی شوارتسکف از اوضاع این بود که احتمالاً "به نظر می‌رسید که عراقی‌ها چراغ‌سبز نشان داده‌اند و برای اولین بار، احتمال حمله فوری (به عربستان سعودی) کاهش یافته بود.

دفاعی محکمی را ارائه، و برای هر اقدام نیروی متحدین و آمریکا بازدارندگی معتبری ایجاد کند. این استراتژی در آغاز کاملاً موفقیت آمیز بود. نیروهای متحدین که برای بدترین وضعیت ممکن، آماده بودند، بر ایشان غیر ممکن شد که حتی یک راه حل ابتدایی را برای رویارویی در نظر بگیرند. سرانجام، ۲۰۰/۰۰۰ سرباز به عربستان سعودی اعزام شد تا نیازهای دفاعی مورد نظر متحدین را تأمین کند. در واقع، ارتش عراق فقط قادر به اقدام دفاعی محدود بود، اما تحرکاتش در هدف عالیتز فریب استراتژیک برای بلف زدن بر متحدین به منظور منفعل کردن آنها به کار آمد.

**اقدامات آفندی (تعرضی) محدود ارتش عراق، نظیر عملیات خفجی<sup>(۱)</sup>، این احساس را تقویت کرد که نیروهای عراقی نه با بمباران هوایی و توپخانه مغلوب گشته، و نه در رزم ناتوان شده‌اند. دوباره این اقدام کاملاً موفقیت آمیز بود، به گونه‌ای که تلاشهای مهمی صرف رویارویی با حرکات محدود، ولی مهم از لحاظ استراتژیکی گردید. تصویر حریفی قوی در اذهان بسیاری از نمایندگان رسانه‌ها و نتیجتاً عموم مردم شکل گرفت. هدف صدام حسین برای پرهیز از یک جنگ واقعی با متحدین - هر چند موفقیت آمیز نبود، ولی با این اقدامات بخوبی حمایت شده بود. آگاهی عراق از ضعف تصمیم‌گیری در محافل عمومی غرب، استراتژی آن را تأیید، و صدام اقدامات مشابهی را اتخاذ کرد. تخمین رسانه‌ها از خسارات بالقوه ناشی از هر نوع تلاش برای بیرون کردن ارتش عراق از کویت، نتیجه مستقیم اقدامات عراق، و از دیدگاه خود عراق، امید بیشتری برای آن بود. این مسأله توسط بسیاری از افسران سابق ارتش، که به عنوان مشاور نظامی خدمت می‌کردند، تأیید شده است.**

رهبران عراق می‌دانستند در صورت وقوع جنگ، نیروهای عراقی مستقر در کویت شکست خواهند خورد. برای آنها روشن بود که اگر نیروهایشان مانور بدهند، قدرت هوایی غالب و غیر قابل رقابت متحدین، آنها را درهم خواهد کوبید. تنها استراتژی عملیاتی معقول این بود که تعداد زیادی از نیروهای عراقی دور از صحنه اصلی جنگ نگه داشته شوند تا از این حملات حفظ شوند و حال اینکه نیروهای حاضر در صحنه را با وضع دفاعی پیشرفته‌ای

1- AL Khafji



سازماندهی کنند. این اقدام به نمایش قدرت کمک کرد و ابزار بالقوه مذاکره سیاسی را برای پرهیز از جنگ پیشنهاد نمود. این واقعیت که تا زمانی که مناطق دفاعی اصلی فتح نشده بود، تعداد قابل توجهی اسیر گرفته نشد، شاهدهی است بر اینکه هدایت جنگ با دراز دستی (رؤیای سرابگونه‌ای که فقط با بمباران و گلوله باران می‌توان بر آن پیروز شد) بسیار مشکل است همچنان شاهدهی است بر اینکه سربازان معمولی عراق تا هنگامی که نتیجه نهایی معلوم نشد، عزم خود را برای مقاومت حفظ کردند. نوع نیروهای اعزامی عراق نشان می‌داد که ارتش عراق در سطح محدودی برای رویارویی با نیروهای متحدین به کار گرفته شده بود. آنچه بسیاری از درک آن عاجزند، این است که واقعاً برای عراق امکانپذیر نیست که در مقابل قدرت متحدین، عملیات قاطعی فراتر از یک پدافند ساده انجام دهد. از خیلی جهات آن بخش از ارتش عراق که در کویت مستقر بود، چنان استقراریافته بود که گویی پادگانی از سنگر تحت محاصره هستند.

#### اقدامات ویژه

نمونه آشکاری از ادراک استراتژیک عراق، شیوه‌ای است که در آن سلاحی با مطلوبیت محدود، مثل موشک اسکاد، برای چنین موفقیت بزرگی از لحاظ سیاسی و نظامی به کار برده شد. کارشناسان غربی سریعاً به محدودیتهای موشک اسکاد و ناتوانی آن بر صحنه جنگ اشاره کرده و در طی هفته‌های موشکباران نسبت به این موضوع متحیر بودند. با اینکه موشکهای اسکاد "الحسین" برای زدن اهداف نظامی مناسب نبود، ولی برای زدن شهرها کاملاً مفید بود. در واقع با هدف قراردادن شهرها، ضعف موشکها به قدرت تبدیل می‌شد، چرا که متحدین نمی‌توانستند از تمام اهداف در دسترس و فراوان دفاع کنند.

مهمتر اینکه عراق سلاحی داشت که بالقوه می‌توانست با تحریک اسرائیل برای پیوستن به جنگ بین متحدین شکاف ایجاد کند. برای صدام مهم نبود که چقدر مورد تنفر واقع می‌شود، چرا که جهان عرب بمراتب بیشتر از اسرائیل متنفر بود. اگر او می‌توانست کاری کند که اسرائیل، عراق را مورد حمله قرار دهد، احتمالاً تعدادی از کشورهای عربی عضو ائتلاف، عقب نشینی می‌کردند. عراق با پرتاب چند موشک اسکاد به اسرائیل، نزدیک بود چیزی را که از لحاظ دیپلماتیک قادر به انجام آن نبود، از لحاظ سیاسی انجام دهد آمریکا فقط با یک دیپلماسی گسترده توانست اتحاد شیوخ را، که به زحمت ائتلاف کرده بودند، حفظ کند.

حتی در وضعیت سخت نظامی، حملات موشکی بطور عجیبی موفقیت آمیز بود. به دلیل خسارات بالقوه حملات موشکی برای متحدین، واکنش نسبت به آن سریع و گسترده بود. نیروی هوایی متحدین، هدف قراردادن سکوهای پرتاب موشک را یک مأموریت کلیدی تلقی کردند. عراق با تکیه بر خسارتهایی که چند موشک کم ارزش می توانست به بار آورد، توانسته بود حدود ۲۰٪ از توان هوایی متحدین را به عملیات هوایی در کوهستانهای عراق (برای یافتن موشکهای عراقی) بکشد.<sup>(۱)</sup> تلاشهای زیادی در طول جنگ برای منهدم کردن موشکهای اسکاد صورت گرفت، ولی هرگز بطور کامل موفقیت آمیز نبود. تلاشهای عراق به عنوان عملیات مبتنی بر اقتصاد نیرو و بخوبی قابل ملاحظه بود. با توجه به نبودن هر استراتژی جایگزین، شکست استراتژی در رسیدن به هدفهای عراق، موجب بی اعتبار شدن آن نشد.

**توانایی محدود نیروهای عراقی در کویت، گواه محکمی است که عراق قصد حمله به عربستان سعودی را نداشت. نیروهای عراقی اعزام شده به عنوان یک نیروی بازدارنده معتبر برای هر نوع مداخله خارجی به کار گرفته شد، همانگونه که گفته شد، عراق در ابتدا با حدود ۲۰۰/۰۰۰ نفر به کویت تجاوز کرد<sup>(۲)</sup> اما تا ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۰، نیروهای عراقی به حدود ۱۵۵/۰۰۰ نفر کاهش یافتند<sup>(۳)</sup>. به همان اندازه که توان متحدین افزایش یافت، توان عددی عراق در کویت نیز افزایش یافت. اگر چه ائتلاف بر اساس افزایش تهدید درک شده عراق، تشکیل نیروی دفاعی خود در عربستان سعودی را دنبال می کرد، اما در واقع نه تنها تهدید عراق افزایش نیافته، بلکه کاهش هم یافته بود. وقتی جورج بوش،**

---

- این در مفهوم یک عملیات هوایی انجام شده بود که یک منظره دیدنی ولی بسیار کوتاه از انتقادات ابتدایی افزایش دهنده قدرت هوایی را محقق خواهد کرد. در طی طراحی اولیه عملیات طوفان صحرا، شوارتسکف از سرهنگ جان وارد، نماینده نیروی هوایی آمریکا در تیم طراحی پرسید، که چقدر طول می کشد تا عملیات هوایی مقدماتی انجام شود که به دست آوردن برتری هوایی، خنثی کردن فرماندهی عراق و کنترل تواناییها و منهدم کردن یا خنثی کردن تأسیسات ضد هوایی عراق، فرودگاهها، سایتها انبار موشک، کارخانجات مهمات سازی، آزمایشگاههای تسلیحات، پالایشگاهها، پلها و راه آهنها را شامل می شود. شوارتسکف بطور مشکوکی گفت، حتی با دو برابر شدن قدرت هوایی، ارزیابی او خوشبینانه به نظر می رسد.

2- watson, George, Tsouras and cyr.

3- Schwarz Kopf

رئیس جمهور آمریکا، در ۸ نوامبر ۱۹۹۰ افزایش توان نیروهای آمریکایی را از ۲۳۰/۰۰۰ نفر اعلام کرد، عراق نیز بطور اساسی توان نظامی خود را افزایش داد.<sup>(۱)</sup> اعلامیه ۱۹ نوامبر مبنی بر اینکه ائتلاف، نیروهای خود را تا ۲۵۰/۰۰۰ نفر افزایش خواهد داد، واقعاً بر لزوم حفظ بازدارندگی معتبری برای عراق دلالت می‌کرد.<sup>(۲)</sup> بدین ترتیب نیروهای عراقی مستقر در کویت به ۵۴۵۰۰۰ نفر رسید.<sup>(۳)</sup>

استفاده از اتباع خارجی ساکن در عراق به عنوان "سپر انسانی"<sup>(۴)</sup> و آزاد کردن بعدی آنها قبل از اینکه دلیل روشنی، صدام را مجبور به آزاد کردن آنها بکند، شاهدان بسیاری را متحیر کرد. این اقدامات عراق با توجه به مفهوم استراتژی بازدارندگی قابل توضیح است. عراق امیدوار بود که متحدین در پیدا کردن راه‌حلی برای بحران، که سرانجام به آزادی گروگانها بینجامد، دچار مشکل خواهند شد. وقتی معلوم شد این تلاشها کارگر نبوده و حضور گروگانها در عراق افکار بین‌المللی را تحریک نمی‌کند، خود راساً به آزاد کردن گروگانها اقدام کرد.

ریختن نفت در خلیج فارس، از حوادث عجیب و غیر عقلانی مبتنی بر حمله بازدارنده بود که عراق برای جنگیدن با کویت بی‌رحمانه در استفاده از تمام ابزارهای در دسترس از آنها بهره گرفت، حتی این نمایش حل بحران نیز محدودیتهای خاص خود را داشت. مهمترین سوال این بود: چرا عراق از سلاحهای شیمیایی علیه متحدین یا اسرائیل استفاده نکرد؟ اگر استراتژی عراق ثابت بود، پس نباید از سلاحهای شیمیایی استفاده کند. استراتژی ملی عراق این بود که به عنوان یک دولت، نیاز به بقا دارد و ساختار حکومتی و لوازم پشتیبانی آن باید سالم بماند. استفاده از سلاح شیمیایی نوید پیروزی نمی‌داد، فقط ممکن بود که اصول مطمئن استراتژی ملی یا عملیاتی را پیش ببرد. برای چنین هدفی، واقعاً ریسک بسیار زیاد بود. عده‌ای معتقدند که با اخراج عراق از کویت، عمر رژیم عراق نیز پایان خواهد یافت، هر چند که بسیاری هنوز امید تحقق آن را دارند. برای عراق، بازدارندگی نهایی، مقابله به مثل وسیع با آمریکا یا اسرائیل بود. تهدیدات هسته‌ای بطور

1- BBC world service. Gulf crisis chronology, 1992

2- Schwarz Kopf

3-Ibid

4- Human shields

آشکار مطرح می‌شد ولی این جاده‌ای بود که صدام آمادگی عبور از آن را نداشت. در حالی که شواهد متعددی در مورد ماهیت استراتژی عراق وجود دارد، با این حال، بیشترین این نمودها را می‌توان در رفتارهای ارتش عراق به هنگام آغاز جنگ زمینی ملاحظه کرد. در خلال ۶ ساعت اولیه حرکت نیروی زمینی متحدین، نیروهای عراقی، منابع آب شهر کویت را منهدم کردند و آشکارا نشان دادند که عراق در نظر دارد که با مشاهده اولین علائم تهاجم واقعی متحدین، طرح عقب نشینی زمین سوخته را به اجرا درآورد.

واحدهای ارتش در صحنه مانده و یا به سرعت رو به شمال می‌گریختند، رهبران عراق آشکارا می‌دانستند که وقتی جنگ زمینی شروع شود، پایان آن نیز نزدیک خواهد بود. آنها آماده بودند تا به محض اینکه مشخص شد متحدین حمله خواهند کرد، عقب نشینی کنند. نیروهای عراقی مصمم بودند تا حداقل بدون نمایش یک جنگ تسلیم نشوند و متحدین را به یک جنگ زمینی وادار سازند. عملیات با سرعتی که شروع شد، بدون تردید برای عراق یک شوک بود، اما این شوک شرایطی را که در آن استراتژی ملی و عملیاتی شکل گرفته بود، تغییر نداد.

#### پیامدهای بعدی

وقتی جنگ زمینی شروع شد، حوادث بسرعت تنه‌اره ممکن را آشکار ساخت. نیروهای نظامی عراق پس از تحمل خسارات سنگین مجبور به عقب نشینی شدند. حکومت کویت به حال اول بازگشت و وضع منطقه خلیج فارس، در وضعیت کلی آن، به وضع اول اوت ۱۹۹۰ برگشت. هر دو کشور کویت و عراق خسارات جانی و مالی بسیار زیادی متحمل شدند و متحدین در برابر آزادی کویت، انتظار بهره زیادی داشتند. متحدین، از طریق آمریکا، نظم نوین جهانی را اعلام کردند، و گام اولیه برای تغییر توازن قوا و حل و فصل اختلافات بین المللی در آینده برداشته شد. توقعات افزایش یافت و مدتی است که ناظران در مورد به کارگیری شیوه‌های مشابه برقراری صلح برای حفظ نظم جهانی در آینده، داسخن می‌دهند. اینکه آیا وضعیت سیاسی و فیزیکی اجازه تکرار اقداماتی که علیه عراق انجام شده است، خواهد داد یا خیر، یک سؤال اساسی است.

صدام حسین این جنگ را برای رقابت در کسب رهبری جهان عرب و رهبر قویترین

کشور منطقه بعد از اسرائیل شروع کرد. او با تلاش متهورانه قصد داشت موقعیت خود را تقویت کند، ولی این تلاش با واکنش جامعه بین‌المللی بی‌ثمر شد، با وجود این، صدام حسین در قدرت باقی ماند و یک نیروی مسلح قوی منطقه‌ای را دارا شد. شورشهای پس از جنگ علیه رهبری عراق، سریعاً توسط نیروهای آسیب دیده، ولی دست نخورده گارد ریاست جمهوری فرونشاندند و مخالفان صدام سریعاً و بیرحمانه محو گردیدند.

اگرچه عراق مطیع شد، ولی کاملاً "در هم شکسته نشد. صدام در وضعیتی ظاهراً ناممکن با تقاضای متحدین مخالفت، و در مقابل آمریکا مقاومت کرد و با این کار مقام خود را به عنوان "کسی که مقابله می‌کند" ارتقا بخشید. به رغم تمام قدرتی که در مقابل عراق و صدام صف آرایی کرد، وی بر مسند قدرت باقی ماند. او ادعا دارد که تنها رهبری است که به خاطر اعراب حاضر به ایستادگی در مقابل بقیه جهان است و اینکه برای قطع تملق و وابستگی اعراب به غرب، بهترین و تنها امید آنها به شمار می‌رود.

عراق یک رشته از وقایعی را شروع کرد که سرانجام به شکست او در جنگ علیه ۲۶ کشور متحدی که از قویترین ارتش پیشرفته از لحاظ تکنولوژیکی در جهان شکل گرفته بود، انجامید. **در هر حال فرض اصلی صدام، این بود که متحدین هرگز بطور واقعی جنگ نخواهند کرد، حتی اگر در مقابل استراتژی مبهم و دائم در حال تغییر متحدین، این فرض غلط اثبات گردد، عراق هنوز قادر بود یک استراتژی ملی ممکن و منطقی و ثابت را تعیین و تعقیب، و آن را با یک استراتژی عملیاتی بطور برابر محدود شده پشتیبانی کند تا برای پیروزی، و در صورت شکست، برای ابقای رژیم بهترین شانس ممکن را بدهد.**